



ریشه‌یابی رفتار دوگانه روحانی با سپاه

تئوری ناجوانمردانه اپراتورهای روحانی



آشناندا واکنش به مصاحبه حاجی‌زاده نیز تأییدی بر این گزاره است. در توثیت او آمده است: «گفت وگو میان رسای جمهور وفرماندهان نظامی به‌صورت فردی با جمعی مرسوم است اما نقل قول از جلسای محرمانه واز شخصی دیگر در فقدان اودور از امانت‌داری است .قاعدتا جلسات رسمی ضبط شده، اپراتور اشتباه نکرده و چیزی هم پاک نشده است. شما فقط مجازید بگویید که خودتان در آن جلسه چه گفتید!» اما این تنها فرافکنی نبود، بلکه حتی برخی دیگر از نزدیکان روحانی با گفتن جملاتی مانند «یک حاج‌قاسم را برای بدحجاب‌ها باقی بگذاریم» سعی کردند از آنچه گفته‌شده روایتی مخدوش داشته‌باشند. اینکه فرمانده هوافضای سپاه به اظهارات دلسوزانه حاج‌قاسم در دفاع از انقلاب و رهبری در جلسه با روحانی اشاره می‌کند، مساله جدیدی نیست. پیش از این نیز فرماندهان سپاه ازجمله شهید سلیمانی در سال ۷۸ به سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت نامه‌ای با همین مضمون نوشته بودند.
باین حال برخی افراد سعی در شخصی سازی چنین موضع گیری‌های دارند. در همین جریان محمد مهاجری، در بخشی از یادداشت خود خطاب به حاجی‌زاده نوشت: «نگران شده‌اید که عده‌ای حاج‌قاسم را مصادره کنند و ببرند توی جرگه سیاسی خودشان. اینکه ترس ندارد، اتفاقا خیلی هم خوب است. بگذارید حاج‌قاسم‌ها آهال باشند، حرفش را بشنوند، از او یاد بگیرند. راهش را بفهمندو در چانه‌نقند. شما چرا از این کار ناراحتید؟ مگر از حاج‌قاسم چیزی کم می‌شود؟» باتمام این تفسیر به‌نظر می‌رسد پروژه شخصی سازی شهید سلیمانی به هیچ‌وجه موفقیت آمیز نبوده، بلکه حتی چهره مخدوش رئیس‌دولت‌های یازدهم‌ودوازدهم رانیز آشکارتر کرده است.

متناقض روحانی‌رادر معرض دیدعموم قرار می‌دادودست روحانی را برای مردم رومی کرد. برای نمونه در بخش قبلی همین گزارش اشاره کردیم که روحانی در تبلیغات ریاست‌جمهوری علیه‌شهرهای موشکی سپاه‌سختن می‌گفت‌وحتی مقابله‌موشکی نیروهای سپاه‌با تروریست‌های تکفیری داعش رامورد انتقادشدید قرار می‌داد اماپس از این‌موضع گیری در جشنواره عمران‌سلامت موضعی خلاف موضع اولیه خودداشته وتمام تلاش خود را کرده‌تا در حملات موشکی سپاه به داعش نیز خود را شریک بداند. بعد از تحریم سپاه توسط آمریکا نیز چنین رفتارهای حمله-حمایتی را در روحانی می‌بینیم. پس از آنکه سپاه در تیر سال ۹۶ به‌عنوان تروریست مورد تحریم آمریکاواقع شد، وی در همان ابتدا با انتقاد شدید از عملکرد سپاه در مقابله با داعش، تأییدی بر تحریم‌های آمریکا گذاشت، درحالی که چندماه بعد در همراه همان سال شاهد موضعی بسیار متفاوت از او بودیم؛ اودر حمایت از سپاه پاسداران ودر واکنش به گنجاندن نام سپاه در فهرست تروریستی آمریکا بیان کرد که چنین اقدامی از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا «خطا» خواهد بود. اودر ادامه به این نیز اشاره کرد که اگر آمریکا بخواهد علیه سپاه اقدامی کند، این دیگر خطر اندر، خطاست و سپاه تنها یک واحد نظامی نیست، بلکه در دل این مردم است.

جمع‌بندی

آنچه در روایت امیرعلی حاجی‌زاده به آن پرداخته‌شده، با اینکه مساله‌ای جدید نیست، بسیاری از چهره‌های نزدیک به روحانی دوست دارند با فرافکنی روایتی مخدوش از نیروهای نظامی و گفته‌هایشان در آن جلسه مذکور ارائه دهند. توثیت حسام‌الدین

تحریمی سپاه پاسداران نیز به‌عنوان گروهی تروریستی نام برده و محدودیت‌هایی علیه آن اعمال شد.
باین حال روحانی که باید به‌عنوان رئیس‌جمهور به دفاع از یکی از مهم‌ترین ارکان دفاعی کشورش می‌پرداخت، نه‌تنها این کار رانکرد، بلکه حتی در مجامع بین‌المللی آن را تضعیف کرد. این‌گونه سخنان رئیس‌دولت‌های یازدهم و دوازدهم تنها به امور سیاست خارجه محدود نمی‌شود، در مواردی حتی او به ساختن دشمنن فرضی نیز می‌پرداخت. یکی از نمونه‌های بارز دشمن سازی فرضی روحانی، با اقدامات سپاه در رسیدگی به وضعیت سبل در کمیشان و اق قلا در سال ۹۸ است. رئیس‌دولت دوازدهم به‌جای آنکه با ارکان مختلف کشور برای حل مشکلات مردم سبل زده همکاری کند، این‌گونه اقدامات را «بی‌سوده، و بی‌اثر» خواند. اودر این‌باره در یک کنفرانس خبری گفت: «تا خودم نرفتم برای بررسی وضعیت سبل کمیشان، هیچ اتفاقی نیفتاد.» نمونه‌ای دیگر از این دشمن سازی به اظهارات سال۹۸ اودر جمع مردم شهر یزد علیه یکی دیگر از قوای کشور، قوه قضائیه برمی‌گردد. روحانی گفته بود: «چرا به این پول‌ها رسیدگی نمی‌کنید؟ چند نفر را به دادگاه بردند و تبلیغ و سرورصدا کردند. مردم باید بداندند! قضات شریف ما نترسند، دادستان‌های شریف ما نترسند، به این جناح و آن جناح نگاه نکنند. این پول‌هایی که امروز اعلام کردم باید برای مردم توضیح دهند. من در سفر به استان‌های مختلف این رقم‌ها را اعلام می‌کنم.» این اظهارات درحالی بیان شد که قوه‌قضائیه در آن سال سیری تحولی را در پیش گرفته بودو حتی پرونده‌های فساد بسیاری از کارکنان دولتی در دست بررسی بود. باین حال چنین اظهاراتی از حسن روحانی از دو فرضیه خارج نیست که هر دو در راستای یکدیگرند؛ رسیدگی به پرونده‌های مفسدان در دولت به‌مذاق رئیس‌جمهور خوش نیامده یا او قصد دشمن سازی فرضی داشته است. البته این اظهارات او بی‌پاسخ نماند و واکنش‌های بسیاری از مقامات رسمی کشور ازجمله قوه قضائیه را به‌همراه داشت. مقامات آن قوه نیز مانند بسیاری دیگر از ارکان رسمی کشور، از این‌گونه موضع گیری و سخنان روحانی اظهار تعجب کردند وپرایشان سوال برانگیز بود که چرا باید این قبیل از مسائل که در حال رسیدگی است، در جمع مردم به گونه‌ای بیان شود که موجبات یأس و ناامیدی را فراهم کند.

دفاع از ارکان کشور با خیال ناآرام!

پایگاه اجتماعی روحانی در هشت‌سال ریاست‌جمهوری‌اش یا درحال انقباض شدید بود یا انبساط، باین حال سیاست او برای بازگشت سرمایه اجتماعی به دولتش-هرچند برخلاف میلش بود- دفاع و همراهی با بسیاری از ارکان حاکمیتی بود که چندی پیش آن ارکان را یسا متهم می‌کرد یا به تضعیف آنها می‌پرداخت. چنین سیاستی علاوه بر اینکه با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بود، رفتارهای

حتی ارکان دیگر حاکمیت مثل قوه قضائیه و... داشت. زمانی او با اتکا به مراحل سه‌گانه توافق هسته‌ای که در تیرماه ۹۴ به امضای برجام منجر شد، توانست منابع ارزی بیشتری را در اختیار داشته باشد. سه‌سال ابتدایی دولت روحانی اوج موقعیتی است که او با ارزیابی شدید توانسته بود تورم لجام گسیخته چندسال پایانی دولت احمدی‌نژاد را کنترل کند. هرچند بعدا معلوم شد دولت روحانی هم در ایده سیاست خارجی خودش موفق نبود و هم مسکن‌های تزیینی به اقتصاد ایران فقط ظاهر آرامی برای بازار ایجاد کرده بود. هرچه بود روحانی در موقعیت آن زمان با احساس قدرت کافی لحنی تند و بعضا حملاتی رسانه‌ای به ارکان دیگر قدرت داشت. او گاهی با جانبداری از ارکان حکومتی مردمی و فرج‌انحای دست به باز یابی سرمایه اجتماعی از دست‌رفته خود می‌زد و گاهی که از میزان سرمایه اجتماعی خود اطمینان کافی داشت، موضع گیری تندی علیه بسیاری از ارکان مردمی می‌گرفت. بسیاری از این موضع گیری‌های تند به قبل از سال ۹۶ برمی‌گردد، زمانی که روحانی به‌واسطه حمایت مردمی از برجام دارای پایگاه اجتماعی قابل اطمینانی بود و هنوز پایگاه اجتماعی خود را به‌واسطه خروج آمریکا از برجام از دست نداده بود. یکی از این موضع گیری‌ها به زمانی برمی‌گردد که سال ۹۶ تنها چند روز از مقابله موشکی سپاه به تروریست‌های داعشی در دیرالزور سوریه نگذشته بود؛ چهار روز پس از آن حمله موشکی، روحانی در سخنرانی خود در جمع فعالان اقتصادی به بهانه تفسیر اصل ۴۴ به این پرداخت که بخشی از اقتصاد دست یک دولت بی‌تفنگ بود که آن را به یک دولت باتفنگ تحویل دادیم. اودر ادامه صراحتا بیان می‌کند که ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ به‌منظور واگذاری اقتصاد به مردم بوده تا دولت از اقتصاد دست بکشد اما بخشی از اقتصاد را که دست یک دولت بی‌تفنگ بوده به یک دولت باتفنگ تحویل داده است و این اقتصاد خصوصی سازی نیست. او معتقد بود: «از آن دولتی که تفنگ نداشت می‌ترسیدند، چه برسد به اینکه اقتصاد را به دولتی دادیم که هم تفنگ دارد و هم رسانه؛ همه چیز دارد و کسی جرات ندارد با آنها رقابت کند.» این سخنان روحانی در موضع گیری نسبت به مقابله سپاه با داعش درحالی است که سپاه از فرمانده کل قوا، رهبر معظم انقلاب اجازه گرفته‌با نیروهای تکفیری داعش راداشته است. در موارد مشابه اینچنینی ازجمله تبلیغات ریاست‌جمهوری، حسن روحانی علیه شهرهای موشکی سپاه سخن می‌گفت و تأکید می‌کرد رابطه عاطفی موصل با بدنه عراق قطع شده و دیگر نمی‌توان این شهر را با نیروی نظامی پس گرفت! این انتقادات تند و نسجینه اودرحالی انجام شد که چند روز قبل از حمله موشکی سپاه، مجلس سنای آمریکا همزمان با فروش سلاح به عربستان سعودی، طرح تحریمی را- که مادر همه تحریم‌ها خوانده می‌شود- علیه ایران تصویب کرد. در این طرح

امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده هوافضای سپاه پاسداران هفته گذشته در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان به روایت جلسه چهارسار پیش فرماندهان سپاه با حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق پرداخته است. در مصاحبه مذکور، حاجی‌زاده به نکات مهمی از رفتارها و واکنش‌های حسن روحانی پیرامون برخورد با ارکان مختلف حکومتی ازجمله سپاه اشاره کرده است. روایت اوشان دهنده رویکرد متناقض رئیس‌دولت‌های یازدهم و دوازدهم در تعامل با ارکان دیگر کشوری است. حاجی‌زاده در بخشی از این مصاحبه از جزئیات این جلسه و ابراز نگرانی حاج‌قاسم نسبت به موضع گیری‌ها ونحوه تعامل حسن روحانی با حاکمیت سخن گفته. فرمانده هوافضای سپاه با اشاره به زمانی که رهبری صحبتی می‌کردند و هفته بعد روحانی موضع می‌گرفت و سپاه را تخریب و به خودی‌ها حمله می‌کرد، می‌گوید در آن جلسه همه گفتند که آقای روحانی ما کمک شما هستیم، آدم نباید خودزنی کند، برای ما مهم نیست کدام دولت باشد، هر دولتی باشد وظیفه‌ی ما دایم کمک کنیم. دیدید در بحران‌هایی که پیش آمد مانند سبل وزلزله وسائل مختلف واقعا سپاه پای کار بود، آدم نیروی خودش را نمی‌زند. حاجی‌زاده ضمن تأکید بر گفته‌های فرماندهان سپاه در آن جلسه، به گفته‌های حاج‌قاسم و ابراز نگرانی او نیز اشاره کرد. در این مصاحبه پیرامون توصیه مشفقانه و صریح حاج‌قاسم خطاب به روحانی آمده است: «می‌خواهی مسیر احمدی‌نژاد را بروی؟ تو هم می‌خواهی مثل او شوسی؟» مسرد به توری داده‌اند و رئیس‌مهور شدی بیا دست به‌دست هم دهیم و کمک کنیم کشور را درست کنیم. برای چه خودزنی می‌کنی؟ برای چه هر روز به خودمان حمله می‌کنی؟ بیام مشکلات را حل کنیم.» این اظهارات البته واکنش‌هایی از چهره‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب را به‌همراه داشت. به‌طوری‌که برخی نزدیکان دولت روحانی تلاش می‌کنند با موضع گیری علیه این گفته‌ها از آن برای توجیه اشتباهات روحانی استفاده کنند. توثیتی که حسام‌الدین آشنا درباره این مصاحبه منتشر کرد نیز به‌نوعی تأییدکننده این گزاره است. اما آنچه فرمانده هوافضای سپاه در مصاحبه خود با کیهان روایت کرد، تنها بخشی از رفتارهای ضدونقیض روحانی با ارکان مختلف حاکمیت است. اما آنچه محل بحث است، چرایی این رفتارهاست. در ادامه این گزارش موضع گیری‌های متدد حسن روحانی در مواجهه با دستگاه‌های مختلف حاکمیتی و در پایان علت این کار را می‌خوانید.

خودزنی با خیال راحت!

روحانی به‌طور کلی دونوع مواجهه با سپاه، دیگر نیروهای نظامی و

گفت‌وگو

ماجرای جلسه فرماندهان سپاه با روحانی و انتقادات سردار سلیمانی به روحانی چیزی بود که سردار حاجی‌زاده در گفت‌وگو با روزنامه کیهان به آن پرداخت. انتشار این مصاحبه واکنش‌های تعدادی از اصلاح‌طلبان را برانگیخت. حسام‌الدین آشنا که پروژه تاریخ شفاهی او در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری شروعی بود برای دوقطبی سازی از شخصیت حاج‌قاسم، حال در واکنش به این مصاحبه نقل قول از فرد دیگری در فقدان او را درو از امانت‌داری دانسته است. این درحالی است که ماجرای انتشار صوت ظریف و ایجاد دوقطبی میدان و دیپلماسی نیز بعد از شهادت سردار سلیمانی بود. در گفت‌وگویی که با سعید آجرلو، کارشناس مسائل سیاسی داشته‌ایم، چرایی لزوم پرداختن به ابعاد سیاسی شخصیت حاج‌قاسم به‌عنوان یک الگوی تراز انقلاب اسلامی مورد بحث قرار گرفته است. آجرلو معتقد است: «نگاه تک بعدی و اصطلاحا تقلیل گرایانه حتما در جهت تبیین مکتب حاج‌قاسم نیست و باید تمام ابعاد شخصیتی ایشان مورد بحث قرار گیرد. یک بعد مهم از شخصیت ایشان بعد سیاسی است. الان نیز فرصت خوبی است که در حوزه سیاسی به شخصیت ایشان پرداخته شود.» در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

۱۱۱

نظر تان در مورد مصاحبه سردار حاجی‌زاده با کیهان چیست؟

ما زمانی که درباره «مکتب سلیمانی» حرف می‌زنیم، به شدت نیازمند آن هستیم که ابعاد مختلف شخصیت ایشان را مورد بحث قرار دهیم. وقتی چیزی تحت عنوان مکتب شهید سلیمانی مطرح می‌شود، به این معنا است که آن شخصیت، فراتر از یک شخصیت حقیقی صرف بوده و دارای ابعادی است که حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را پوشش می‌دهد. پس طبیعی است که صحبت کردن از مکتب سلیمانی، بدون صحبت کردن از جنبه‌های سیاسی شخصیت حاج‌قاسم، عملا تصویر روشنی از این فرد و از این تفکر به ما نخواهد داد. امروز بعد از گذشت دوسال از شهادت ایشان فضایی پیش آمده است که به‌نظر می‌رسد مورد بررسی قرار دادن ابعاد مختلف این شخصیت لازم است. یکی از فعالان سیاسی، مدتی پیش چند نکته درباره شهید سلیمانی مطرح کرد؛ گفت من از نظر سیاسی حاج‌قاسم را قبول ندارم. بعد برای اینکه درباره رفتار سیاسی حاج‌قاسم مثالی آورده باشد، گفته بود ایشان نامه‌ای نوشته و گفته است من دست روحانی را می‌بوسم. یعنی درباره شخصیت سیاسی ایشان شبهه‌ای وارد کرده بود و بر آن اساس گفته بود از نظر سیاسی ایشان را قبول ندارم. یک بخشی از اصلاح‌طلبان مثل آقای جهانگیری هم به‌واسطه روابطی که با حاج‌قاسم داشته‌اند، روایتی از شهید سلیمانی ارائه می‌کنند که مجموع این اتفاقات، نیاز به صحبت کردن درباره ابعاد شخصیتی شهید سلیمانی را بیشتر از قبل می‌کند. وقتی از موضع افراد رادیکالی در جریان عدالتخواه و همچنین از موضع اصلاح‌طلبان این مسائل شنیده می‌شود، طبیعی است که باید برای روشن کردن وجوه شخصیتی شهید سلیمانی، یک روایت ناب و

خالص از شخصیت ایشان ارائه شود که اساسا حاج‌قاسم از نظر سیاسی کجا قرار می‌گیرد، چه تفکری داشته است و چگونه می‌توان آن را توضیح داد؛ هم برای جامعه فلی، هم برای نسل جدید و هم برای آیندگان. تبیین شخصیت حاج‌قاسم به این معنا است که ما هم رفتار ایشان را در حوزه سیاسی در سال‌های حیاتش توضیح بدهیم و هم بتوانیم در موضوعات مختلف از این مکتب و از این تفکر استفاده کنیم.

برخی معتقدند چون شهید سلیمانی یک شخصیت مورد قبول همه بود، نباید این موارد نقل شود تا شهید سلیمانی مورد اجماع باقی بماند. این نظر را چقدر درست می‌دانید؟

روایت حاجی‌زاده از دیدار فرماندهان سپاه با رئیس‌جمهور وقت، پاسخی به دوست عدالتخواهی است که در سخنان خود آن شبهه را به حاج‌قاسم وارد کرد. آنها که می‌گویند ما شهید سلیمانی را از لحاظ سیاسی قبول نداریم، اینجا باید روایت حاجی‌زاده را مثالی بر آن بدانند که شهید سلیمانی با چه ادبیاتی با روحانی مواجه داشته است. درباره آن نامه شهید سلیمانی به روحانی باید گفت آن نامه درحالی نوشته شده بود که روحانی در مقابل تهدیدهای ترامپ، پاسخ تندی به آمریکا داده بود و حاج‌قاسم به اعتبار این حرف، از روحانی تشکر کرده بود. این کجا به این معناست که شهید سلیمانی روحانی و تفکر او را قبول داشته است؟ اینقدر اشعری گونه و جبرگرایانه بدون توجه به زمینه و یک سخن اینگونه نقد می‌کنند و شبهه وارد می‌کنند. من فکر می‌کنم سه کنش خیلی جدی و مهم در کنار کنش‌های متعددی که پنهان بوده و از نظر ما دور مانده است، به‌صورت علنی از شهید سلیمانی در مسائل سیاسی دیده‌ایم؛ یکی در دوران خاتمی است که شهید سلیمانی آن نامه معروف فرماندهان سپاه به خاتمی را امضا می‌کند، دومی، مواجهه ایشان با احمدی‌نژاد بر سه مساله انقلاب‌های عربی است که احمدی‌نژاد به‌همراه مشایب از آن تحت عنوان پهار انسانی یاد کرده بود. سومی هم ادامه همان تفات و رویکرد در موضوع مقابله با داعش و مسائل سوریه و اختلاف‌نظرهای جدی درباره سپاه پاسداران بین روحانی و جریان مقابل است. ما حداقل این سه کنش سیاسی حاج‌قاسم را در مواجهه با سه رئیس‌جمهور اخیر شاهد بوده‌ایم. آیا این به این معنا است که حاج‌قاسم یک حزب سیاسی است؟ خیر. اگر به وصیت‌نامه حاج‌قاسم نگاه کنید، دید شهید سلیمانی به جمهوری اسلامی، به رهبری، به جهان اسلام و دشمنان خیلی صریح مشخص است. این نگاه هم اصلا جریان‌ی و حزبی نیست. حالا اگر یک جریان سیاسی بیشتر این تفکرات را قبول دارد، نزدیکی بیشتری به این جریانات دارد، به این معنا است که مثلاً می‌خواهد این فرد را مصادره به مطلوب کند؟ خیر. جریان انقلابی به تفکرات شهید سلیمانی نزدیک‌تر بوده، از اقدامات ایشان حمایت کرده است و به همین جهت تفکراتش نزدیک‌تر به‌نظر می‌رسد. اینکه جریان اصلاح‌طلب می‌گوید به ایشان علاقه داریم و از اینکه ایشان مصادره به مطلوب نشود ناراحت می‌شویم، خیلی خوب است. بهتر آن است که محسن امین‌زاده، تاج‌زاده و خیلی دیگر از این شخصیت‌های سیاسی‌شان با خود مرور

سعید آجرلو، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

حاج‌قاسم با وادادگان و متحجران مرزبندی داشت

تراز و معیار سنجش فرزندان انقلاب اسلامی مواجهید، پس نباید هیچ‌گونه تسامحی در پرداختن و توصیف کردن چنین شخصیتی داشته باشیم.

ما در زمان ریاست‌جمهوری روحانی دو کنش متناقض از ایشان در مقابل سپاه شاهد بودیم. به این صورت که در سال ۹۵ یعنی یک‌سال قبل از انتخابات به بهانه‌های مختلف سپاه را مورد عتاب قرار می‌دادند و گاهی نیز در دفاع از سپاه صحبت می‌کردند. دلیل این کنش متناقض را چه چیزی می‌دانید؟
خیلی روشن است. ظریف که مصاحبه علنی علیه حاج‌قاسم داشت و همه هم آن را شنیدند. این حرف خوبی نیست که ما بخواهیم آن را مدام باز کرده و به آن بپردازیم. شاید خوشایند ظریف هم نباشد و شاید الان نظر ظریف هم تغییر کرده باشد. ما نمی‌خواهیم این موارد را باز کرده و به آن اشاره کنیم، اما این تضاد علنی است و مردم هم اظهار نظرها را شنیده‌اند. اینها چیزهایی نیست که مخفیانه باشد. بخش زیادی از کاهش اعتبار روحانی به‌خاطر صحبت‌هایش در انتخابات سال ۹۶ بود. روحانی در این انتخابات حرف‌هایی را مطرح کرد که حتی خارج شدن از خط قرمزها بود و دوباره هم نتوانست خودش را برگرداند و امروز هم هزینه همین حرف‌ها را می‌دهد. انتقادات روحانی علنی بود و کدهای آن واضح است. همان زمانی که روحانی داشت اتهام وارد می‌کرد، سردار سلیمانی در مجاورت مرزهای ایران در سوریه و عراق در حال جنگ با داعش بود. روحانی سال‌ها دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده و خود را مدعی تخصص در امنیت ملی می‌دانست. حال آیا رویکرد حاج‌قاسم درست بود یا رویکرد روحانی؟

امروز مشخص است که رویکرد سپاه قدس در منطقه که در مقابل داعش ایستاد کاملاً درست بوده و اساسا مساله جنگ با بنیادگرایی و رادیکالیسم در منطقه است. در بحران اخیر افغانستان نیز خیلی از افراد در جناح اصلاح‌طلب گفتند چرا جمهوری اسلامی با دولت جدید افغانستان مدارا می‌کند. افرادی که مخالف جنگ با داعش و کمک به دولت سوریه بودند، چگونه در موضوع افغانستان نظرشان به دخالت و تقابل نظامی تغییر کرد. آیا عاقلانه بود ایران در مقابل دولتی که کشوری را فتح کرده و مردم نیز با آن مقابله نمی‌کنند، اعلام جنگ کند؟ اما داعش یک خطر فوری بود که دشمنی و عداوت خود را نسبت به جهان اسلام و مذاهب مختلف به‌ویژه تشیع اعلام کرده بود و خطر آن را نیز همه ما احساس کردیم. نگاه تک‌بعدی و اصطلاحا تقلیل‌گرایانه حتما درجهت تبیین مکتب حاج‌قاسم نیست و باید تمام ابعاد شخصیتی ایشان مورد بحث قرار بگیرد. یک بعد نیز شخصیت سیاسی ایشان است. الان نیز فرصت خوبی است که در حوزه سیاسی به شخصیت ایشان پرداخته شود. شخصیت حاج‌قاسم به‌عنوان یک شخصیت ملی و انقلابی که به تعبیر رهبر انقلاب دارای غیرت دینی و عقلا نیت است، باید تبیین شود. حاج‌قاسم حزبی و جریان‌ی نیست؛ به این معنی نیست که مقابل خط قرمزهای انقلاب سکوت می‌کند. کما اینکه شجاعانه با روحانی صحبت کرده و نکاتش را در میان گذاشته است.